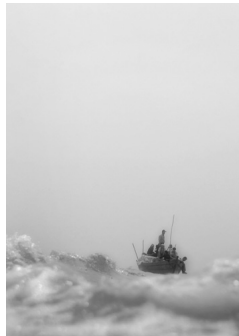


نقد عکس 10

در عکاسی هستند لحظه‌هایی که پتانسیلی فراتر از ذات عکاسی را بر دوش می‌کشند، در برخورد با این عکس‌ها این گویی دیگر لحظه فریز شده نیست که مخاطب را پای عکس نگه می‌دارد، که حرکت، جوشش، و اکشنی در عکس هست که ظرفیت‌های آن را از ثبت کسر فائده‌ای عکاسی بزرگتر می‌کند. لحظه‌هایی که به اتفاق تبدیل شده به یک «آن»، هویتی فراتر از عکس می‌دهند و ما را با تداومی روبرو می‌کنند که اگرچه ممکن است در ذات عکس نباشد، اما باری به مدد احساس مخاطب، این تداوم در اثر ایجاد می‌شود. یعنی عکس به مثابه سینما. به مثابه فیلم متحرک. اما با این تفاوت که پس و پیش این «آن» عکاسانه در ذهن مخاطب ساخته می‌شود نه روی صفحه حساس سنسور! با این مقدمه بد نیست به عکسی بلغزیم که «موقعیت صحنه» مهمترین ویژگی آن است. عکس قایقی سرگردان را در میان دریایی ناآرام نشان می‌دهد که سرنشینان آن در پی جستجوی ساحلی آرام‌اند.



روای دریای - عکس: سید مجتبی خاتمی

این که قرار گرفتن در چنین موقعیت‌هایی را باید به بخت بلند عکاس نسبت داد یا نه، مقوله‌ای است که آن را در کشورمان و نزد عکاسان، زیاد می‌شنویم. شخصا بر این باورم که چیزی به نام «بخت» نمی‌تواند در عکاسی نقش داشته باشد، آن چه مهمتر است مدیریت صحنه و توانایی تسلط بر چنین موقعیتی از سوی عکاس است، که آن را به سادگی هدر ندهد و این عکاس باشد که بر صحنه غلبه می‌کند نه صحنه بر عکاس. چرا که در عکاسی معاصر با مولفه‌هایی روبرو هستیم که نوعی «تملک موضوع و محیط شدن عکاس را بر موضوع ثبت شده» یادآوری می‌کند، و از عکاس به عنوان یک کارگردان صحنه نام می‌برد. پس در چنین تعریفی بسیاری از مولفه‌ها چون میزانشن، دکوپاژ و فضا سازی نقش اساسی را بازی می‌کنند. عکس نیز به سادگی حضور دارند و عکاس در به کارگیری آن‌ها در جهت انتقال احساس صحنه به خوبی عمل کرده است. عکس سید مجتبی خاتمی در رنگ ما را به یاد عکسی از مجموعه اثر Mortimer James Francis در سال 1911 می‌اندازد که در آن عکس نیز قایقی سرگردان با سمت راست قاب و در میان امواج سهمگین دریا گرفتار آمده است، اما دیگر ویژگی‌های عکس سید مجتبی خاتمی از این قرارند:

دید پس از موقعیت منحصر به فرد، این «زاویه دید» است که در این عکس نقش مهمی را ایفا می‌کند. دیدن موضوع از زوایای مختلف منجر به ایجاد پرسپکتیوهای مختلف از موضوع احساس در مخاطب تأثیر زیادی دارد. این عکس از زاویه دیدی خاص بهره می‌گیرد. خاص از آن جهت که انتخاب زاویه‌ای با خصوصیات angle Low در چنین موقعیتی بعید و دشوار می‌نماید و سوالاتی را در عکس ایجاد می‌کند که همان رمز و راز عکس و توانایی‌های تکنیکی عکاس را نمایش می‌دهد. سوالاتی چون: «عکاس کجا بوده است؟» یا «چگونه از چنین زاویه‌ای به صحنه تکیسته است؟» و توانسته است بر دوربین مسلط باشد؟» این زاویه angle Low در میان امواج علاوه بر افزودن حرکت در صحنه و تقویت Act در آن موجب تشخیص بخشیدن به موضوع اصلی (قایق و سرنشینان آن) شده و نقش مهمتر آن در رنگ‌نمایی وجه تجسمی امواج است که این‌جا به خوبی در خدمت رویداد قرار گرفته و قایق را به صورت نقطه‌ای کوچک در میان خطوطی متعدد جای داده است.

دیجیتال

عکس از پردازش دیجیتال بهره برده است. عکاس برای تقویت فضای صحنه از فیلتری استفاده کرده که بافت عکس را تلطیف کرده و موجب شده است احساسی شبیه دیدن یک بیجا شود.

این پردازش نرم افزاری اگرچه در بخش جلویی تصویر به حجم تار امواج آسیب رسانده و فورگراندی نه چندان زیبا را در عکس ایجاد کرده، اما برای موضوع اصلی مفید واقع شده در فیلتر کردن قایق و آسمان - و نه امواج - می‌توانست نتیجه بهتری را در پروسس پس از ثبت ایجاد کند.

تصویر

عکس از گم شدن سرنشینان قایقی کوچک در امواج می‌گوید. سازمان دهی تصویر بر اساس حضور فضای منفی بسیار زیاد در مقابل فضای مثبت بسیار محدود و کوچک شکل گرفته است.

تکنه خوب، پنهان کردن افق دید توسط امواج در فورگراند است که هر گونه نظم و امید را از صحنه سلب کرده است (خط راست افق در صورت ثبت، معنای امید و نجات را در عکس ایجاد می‌کند). از طرف دیگر خطوط نامنظم برخاسته از قایق (پاروهای چوبی) بر ناپایداری موضوع صحنه می‌گذارند.

نسبت به کار رفته برای قایق در مقابل فضای اطراف، نقطه در فضایی خالی است. این نسبت یک تنش فضایی را در عکس ایجاد می‌کند. چرا که قایق به عنوان نقطه سیاه (آموزه‌های کاندینسکی بزرگ) یک بی‌تعادلی شدید را در سطح ایجاد کرده است و خطوط باریک (امواج) به نقطه سیاه (قایق) تعادل می‌بخشند. پس قاب در عین انتقال بی‌تعادلی از تعادلی پنهان

ترکیبی
یا

عمودی؟

قاب عمودی اگر چه پویاتر از قاب افقی است اما بر ارتفاع، ایستایی و نظم دلالت دارد و اگر عکاس قاب افقی را برای عکس خود برگزیده بود، بر احساس صحنه، وسعت دریا و ابعاد این افزود.

تکنه دیگر در مورد سازماندهی تصویر، انتقال حس حرکت و شناور بودن قایق است که عکاس از پس آن به خوبی برآمده است، چرا که دیدن اشیاء در حرکت، بدون تصور یک زمینه برای آن‌ها امری بسیار سخت است، و در چنین تصویری که المان‌های تصویری به شکل عجیبی کاهش یافته‌اند انتقال حرکت تنها بواسطه نسبت نقطه به خطوط نامنظم و تنش فضایی است.

Mortimer

و عکس سید مجتبی خاتمی
مختلف نسبت به موقعیت‌ها و موضوع‌های مشابه یکی از جذابیت‌های تکرار تاریخ در دهه‌های مختلف است.
آن چه شباهت‌هایی را میان این دو عکس ایجاد می‌کند نگاه عکاسانه این دو عکاس در فاصله‌ای یک قرن به این موضوع است که بر قرابت‌های نگاه در عکاسی صحنه می‌گذارد. اینکه دو عکاس در دو مکان مختلف برای القای حس صحنه، از الفبای مشترک و صحیح بهره‌جسته‌اند و هر دو برای نمایش سرگردانی و گم شدن در میان امواج از نسبت‌های پرسپکتیوی یکسان برای موضوع اصلی (قایق) بهره‌جسته‌اند.



the wreck – Photo by: Francis James Mortimer

موخره

عکس در میان آثار «سید مجتبی خاتمی» عکاس فعال خراسانی اثری بی‌همتا است. [مرور آثار او](#) نشان می‌دهد هرگاه عکاس به مفاهیم ذهنی روی آورده است دست به خلق ترکیب‌های بکری زده است و پختگی و تسلط تکنیکی وی بر ابزار در این نوع عکس‌ها بیشتر به چشم می‌آید. هرگاه به نگاه تجربیدی نزدیک شده، آثاری درخشان خلق کرده که نوعی بیان شخصی را در این آثار نمودار می‌کند. بیان و لحنی که در عکس‌های مستند اجتماعی او نمی‌توان یافت، و نگارنده بر این باور است که دنیای سید مجتبی خاتمی دنیایی صرفاً شاعرانه و تجربیدی در این سال‌ها منتسب به این سبک ندانند.

را

نقد: [کیارنگ علایی](#)

عکس: [سید مجتبی خاتمی](#)

لینک مستقیم روزنامه قدس [PDF]